

راهنمای استفاده

مخاطبان محترم این کتاب به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱- کودکان - ۲- مربیان ۳- والدین. کودکان عزیز با راهنمایی والدین و مربیان خود با انجام دادن تمرین‌های هدفمند به کسب اطلاعات لازم و مهارت‌های در نظر گرفته شده می‌پردازند. والدین و مربیان گرامی که از این مجموعه کتاب‌ها استفاده می‌کنید با مطالعه رهنمود علمی هر صفحه و با توجه به اهداف و امکانات موجود، فعالیت مناسب هر صفحه را برای کودکان توضیح داده، فضایی را فراهم می‌سازند تا کودک بتواند به اهداف نزدیک شود.

برخی از مفاهیم کتاب با مطالب قبل و بعد خود ارتباط دارد و لازم است ترتیب یاددهی آن‌ها رعایت شود؛ اما برخی دیگر از مطالب این ترتیب را ندارند و بنابراین حذف یا انجام آن‌ها برعهده مربی است و زمان اجرای این گونه واحد کارها نیز به انتخاب مربی یا واحد است.

حفظ ایمنی و بهداشت در انجام فعالیت‌ها از الزامات مهم این کتاب محسوب می‌گردد؛ بنابراین با در نظر گرفتن ایمنی در ارائه نمونه‌ها و فعالیت‌های عملی، لذت و فضای شاد را از کودکان دریغ نکنید.

همراه نمودن اولیا در اجرای فعالیت‌ها و انجام تکالیف به تکوین یادگیری کمک می‌کند؛ بنابراین با توجه به تداوم مفاهیم می‌توانید نمونه‌های دیگری از تکالیف را برای کودکان در نظر بگیرید.

حجم اندک کتاب‌ها و گستردگی مفاهیم نشان از عمق زیاد مفاهیم است. اگر کودکی را می‌شناسید که به مطالب علاقه نشان می‌دهد، لازم است او را با کتاب‌های پیشرفته‌تر در این زمینه آشنا کنید.



خب من یک پیشنهاد دارم:

کار نکنند، پشیمند زیر یک درخت بزرگ و در افق محو شوند و لذت ببرند!
در ابتدا پیشنهاد خوبی به نظر می‌رسد؛ ولی وقتی پول آنها تمام شود، رفته رفته لاغر، پیر و خسته می‌شوند و دیگر از آن غذا، پوشاک، مسکن و موبایل هم نمی‌توانند استفاده کنند؛ حالا آنها چه کار کنند؟
آنها باید فکر کنند و کاری کنند که دیگران نکرده باشند.
پس اگر می‌خواهید به این دردسرها نيفتيد بايد به فکر راه‌حل تازه‌ای باشید.

چند پیشنهاد برای نیروی کار:

- (۱) اگر قرار است کار گروهی انجام دهید، همه شرایط را در ابتدا ذکر کنید و به اجرای آن پایبند باشید.
- (۲) افرادی را انتخاب کنید که فکر می‌کنید کار کردن با آنها را دوست دارید.
- (۳) اگر به هر دلیلی نخواستید به همکاری ادامه دهید نیازی به جنگ و دعوا نیست.
- (۴) وظایف هر کس را کاملاً مشخص کنید؛ هرکس باید مسئولیت خودش را بپذیرد.

چند پیشنهاد برای محصول:

- (۱) محصول شما می‌تواند کار دست شما باشد؛ هر کار دستی یا کار هنری که دارید، می‌توانید به عنوان محصول ارائه کنید.
- (۲) لوازمی مثل لوازم تحریر یا ابزار دیگری که در خانه مازاد هستند (مثلاً به واسطه شغل پدر یا مادر) می‌توانید به عنوان محصول ارائه کنید.
- (۳) محصول شما می‌تواند خوردنی باشد؛ مثلاً ساندویچ‌های کوچک، نوشیدنی‌های گوارا و دسرهای خوشمزه، می‌توانند محصولات خوبی برای فروش باشند.
- (۴) ممکن است کسانی از خواندن کتاب‌های شما که در قفسه خاک می‌خورد خوشحال شوند پس کتاب هم می‌تواند محصول خوبی باشد.
- (۵) محصول می‌تواند پوشیدنی باشد، لباس بافته شده یا دوخته شده، محصول خوبی برای فروش است.

چند پیشنهاد برای خدمات:

- (۱) اگر دوستانتان در انجام تکالیف یا کاری نیاز به کمک دارند، کمک شما می‌تواند یک خدمت باشد.
- (۲) نمایش، اجرای موسیقی، تئاتر و ...
- (۳) کمک به بزرگسالان، سالمندان و افراد ناتوان
- (۴) نظافت، تخته و حیاط مدرسه، برقراری نظم در کلاس، همگی خدماتی هستند که شما می‌توانید ارائه دهید.

در هر دوره از تاریخ، مردم بر اساس نیازهایشان، شغل‌های مخصوصی داشته‌اند که این شغل‌ها در دوره‌های مختلف تغییر کرده‌اند؛ اما این که شغل‌ها بر اساس نیاز جامعه به وجود می‌آیند، همواره مسئله‌ای ثابت بوده است.

نیازهای اساسی بشر اولیه به ترتیب: خوراک، پوشاک و مسکن بوده است؛ بنابراین کشاورزی و دامپروری از مشاغل مربوط به آن دوران بوده‌اند و مشاغل مانند فروش و تعمیر وسایلی مانند تلویزیون، DVD، موبایل و ... بی‌معنی بوده‌اند؛ همانطور که امروزه کسی به جای خرید از فروشگاه، به شکار نمی‌رود.

با پیشرفت سریع علم و دانش، تغییر نوع زندگی بشر و تغییر نیازهای بشر، شغل‌ها نیز دچار تغییر و تحول شده‌اند. در زمان‌های گذشته از نیروهای انسانی برای انجام کارها استفاده می‌شد؛ اما امروزه با جایگزین شدن صنعت، ماشین‌آلات جای نیروهای انسانی را گرفته است. حالا انسان‌ها چه کار کنند؟

انسان‌ها به دنبال ساخت و ساز سرباه و تهیه و تولید پوشاک رفتند و با فروش آنها پول دریافت می‌کردند. تلاش برای ساخت‌وساز سرباه و تولید پوشاک تا جایی پیش رفت که تعداد خانه‌ها و تعداد لباس‌ها از آدم‌ها بیشتر شد و تعدادی از آنها بیکار شدند. حالا آنها چه کار کنند؟
آنها به دنبال تکنولوژی رفتند. هواپیما و موبایل و ماهواره ساختند. همه ناگهان موبایل می‌فروختند. حالا اگر تعداد موبایل‌ها از تعداد آدم‌ها بیشتر شود و تعدادی دوباره بیکار شوند، آنها چه کار خواهند کرد؟



کارهایی را که از عهد آن برمی آید مشخص کند.
کارهایی که بهتر انجام می دهد و از انجام دادن آن لذت می برد مشخص کند.
تشخیص دهد چه کاری را بهتر از دیگران می تواند انجام دهد.

یکی بود یکی نبود.

در سرزمین مورچه‌ها، مورچه‌ای به نام «کتی» زندگی می کرد. پدر و مادر کتی، مورچه‌های زحمت کشی بودند و کتی همیشه قدر دان زحمات آنها بود. حالا کتی تصمیم گرفته بود که خودش هم برای رسیدن به خواسته‌هایش تلاش کند و از توانایی‌هایی که دارد استفاده کند. یک روز هم تصور که روی صندلی و رو به آسمان نشسته بود و به آرزوهای بزرگی که در سر داشت، فکر می کرد با خودش گفت: من برای رسیدن به خواسته‌هایم باید برنامه‌ریزی کنم. ولی پومان (پول) کافی ندارم. باید کاری انجام دهم تا پومان به دست بیاورم و به خواسته‌هایم برسم. داشت با خودش فکر می کرد که چه توانایی‌هایی دارد و چه کارهایی می تواند انجام دهد؟ او تا به حال کاری انجام نداده بود؛ تا این که ناگهان به یاد مادر بزرگش افتاد که همیشه گیاههای گرمی از کرم‌های درخت نازج درست می کرد و خیلی هم خوشمزه بودند. مادر بزرگ او با یختن این گیاهها موفق شده بود پومان به دست بیاورد. کتی تصمیم گرفت مانند مادر بزرگ گیاه درست کند؛ چون هم این کار را یاد گرفته بود و هم این که فکر می کرد با درست کردن گیاه می تواند به مورچه‌های کارگری که وقت درست کردن غذا ندارند، کمک کند تا درطول روز، این گیاهها را بخورند؛ همچنین می دانست که مورچه‌ها خیلی گیاه دوست دارند.



هر کودک باید کم‌کم با واحدهای پولی و مفهوم مزد گرفتن آشنا شود.

فصلیت: داستان را با دقت برای کودک بخوانید و نظارش را به تصاویر زیر جلب کنید.

آنتی‌مورچه شروع به کار کرد. ابتدا وسایلی را که احتیاج داشت، تهیه کرد سپس به یختن کیک مشغول شد. چند باری کیک پخت؛ ولی کیک‌ها خیلی خوب از آب در نیامدند. آنتی‌مورچه ناامید نشد و مطمئن بود که می‌تواند یک کیک بسیار خوشمزه بیزد. از بین کیک‌هایی که پخته بود، چند کیک خوب را انتخاب کرد تا برای مادربزرگش ببرد. معمولاً بعد از ظهرها مادربزرگ دوستش را به خانه‌اش دعوت می‌کرد. به خانه مادربزرگ رسید و زنگ خانه را به صدا درآورد. مادربزرگ از دیدن آنتی‌مورچه خیلی خوشحال شد. آنتی‌مورچه کیک‌هایش را روی میز چید و به همه تعارف کرد و با خنده‌ای گفت: این کیک‌ها را خودم پخته‌ام. لطفاً امتحان کنید. خاتم پروانه گفت: این کیک‌ها از شهد گل‌ها هم شیرین‌تر است. آیا می‌توانی برای من چند کیک خوشمزه درست کنی تا برای بچه‌هایم ببرم؟ من می‌خواهم این کیک‌ها را بفروم و بابت آن پومان پرداخت کنم. آنتی‌مورچه نگاهی به مادربزرگ کرد و گفت: نمی‌دانم که به تنهایی بتوانم یا نه! مادربزرگ گفت: من به شما کمک خواهم کرد. خلاصه آنتی‌مورچه شروع به یختن کیک کرد و مادربزرگ به او کمک کرد. خاتم پروانه نیز با خوشحالی کیک‌ها را خرید و به آنها پول پرداخت کرد. آن روز آنتی‌مورچه و مادربزرگ خیلی خوشحال بودند. مادربزرگ گفت حالا به بازار برویم و برای خوهان خرید کنیم. آنها به بازار رفتند و کلی خرید کردند. بعد از آن هم به بازار رفتند و خیلی به آنها خوش گذشت. آن روز برای اولین بار بود که آنتی‌مورچه لذت پول در آوردن را احساس می‌کرد.



می‌داند چه محصولی درست کند.
ابزار و وسایل مورد نیاز را می‌شناسد.
راه درست کردن محصول مورد نظر را می‌داند.

تولایی معرفی خود به دوستان و مشخص کردن تولایی‌ها از نیازهای هر کودک است.

قابلیت: هر کسی توانمندی و اعتماد خودش را معرفی کند و در روز مشخص برای ارائه و نمایش آن، خود را آماده کند. بچه‌ها محصولات و خدمات خودشان را به نمایشگاه برای فروش و ارائه بیاورند.



آن روز گشت و آنتی مورچه بالاخره موفق شده بود که کیکهای خوشمزه‌ای از کره‌های درخت نارنج بیزد. آنتی برای تهیه کیکها به کره‌های درخت نارنج احتیاج داشت. او باید راهی طولانی را طی می‌کرد تا به درختهای نارنج برسد. آنتی، کره‌ها را داخل یک سبد بزرگ می‌ریخت و با خودش به خانه می‌آورد و طبق دستور پخت مادر بزرگ، کیکها را می‌پخت. کیکها بسیار خوشمزه بودند و آنتی آنها را برای فروش به بازاریچه مورچه‌ها می‌برد. مورچه‌ها هم خیلی استقبال می‌کردند و همه کیکها را می‌خریدند و پیمان برداشت می‌کردند. آنتی بسیار خوشحال بود و از کارش لذت می‌برد. او وقماً زحمت می‌کشید و روزها می‌گشت و آنتی بعد از مدتی توانست با پیمان‌هایی که به دست آورده بود لانه‌ای برای خودش تهیه کند.



ما انسان‌ها قرار نیست همه کارها را خودمان انجام دهیم؛ شاید دیده باشید که در منزل شما هم قراردادی برای کارهای تخصصی می‌آیند.

فصلیت: در مورد انجام کارهای عملی در کلاس صحبت کنید.

کار آنتی مورچه زودتر پیدا کرده بود؛ ولی دیگر به تنهایی قادر به انجام همه کارها نبود و تصمیم گرفت مورچه‌هایی را برای همکاری انتخاب کند. آنتی مورچه برای انتخاب همکاری‌اش خیلی فکر کرد. او به مورچه‌ای نیاز داشت که بتواند به محل درختهای نازج برود و گرچه را حمل کند و همچنین به مورچه‌ای نیاز داشت که بتواند در یخچان کیک به او کمک کند و مورچه‌ای که قادر به فروش کیکها باشد. در بین مورچه‌ها ابتدا به یاد مورچه ورزشکار افتاد. مناسی بود که بیشتر در خانه بود و کمتر ورزش می‌کرد. آنتی مورچه به او پیشنهاد کار داد و مورچه ورزشکار هم از این پیشنهاد استقبال کرد. حالا فکر کرد که به دو مورچه دیگر هم نیاز دارد. به یاد همسایه قبلی خود فتادین روزها شنیده بود که سخت به دنبال کار می‌گردد. او را پیدا کرد و به او پیشنهاد کار داد. مورچه همسایه خیلی خیلی خوشحال شد و با کمال میل قبول کرد. برای نفر سوم به برادرش پیشنهاد کار داد. ولی متأسفانه برادرش نپذیرفت چون برادر او در این روزها امتحان داشت و سخت مشغول درس خواندن بود؛ اما یکی از دوست‌اش را برای کار معرفی کرد که آنتی مورچه با او صحبت کرد و با او قرارداد همکاری بست. آنتی مورچه شرایط کار را به آنها توضیح داد و گفت در پایان هر روز، شما بوم‌های خود را دریافت خواهید کرد.

